

بزرگترین امید آن است که امید را به قصد کشت گتک بزیم.

[www.mandegardaily.com](http://www.mandegardaily.com)

سال هفتم، شماره ۱۵۱۵۱، سه شنبه ۲۵ حمل / فروردین ۱۳۹۴، ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۱۶، ۱۴ اپریل ۲۰۱۵

# ماندگار

## خشم معاون ریاست اجرایی و وزیر خارجه از وضعیت امنیتی

### در بدخشان ۳۳ عضو ارتش کشته، زخمی و ناپدید شده‌اند



نهادهای امنیتی تأیید کرده اند که در نبرد بین طالبان و نیروهای امنیتی در ولایت بدخشان ۳۳ عضو ارتش کشته، زخمی و ناپدید شده‌اند.

ریاست اجرایی با اعلام این آمار، کشتار نیروهای امنیتی را "جنایت" خوانده و گفته که "دشمنان افغانستان باید بدانند که با این کار نمی‌توانند روحیه نیروهای امنیتی را تضعیف کنند"، اما جزئیات بیشتری در این مورد ارائه نکرده است.

نویس فروتن، سخنگوی والی بدخشان گفته که در این نبرد که بامداد روز جمعه گذشته با حمله نغرات طالبان به پاسگاه‌های امنیتی در منطقه "آب راغب" آغاز شد، ۱۸ نفر از نیروهای امنیتی کشته شدند که ۸ نفر آنها سر...

ادامه صفحه ۶



## رونمایی از عنوان جعلی "حکومت وحدت ملی"

صفحه ۶

## دولت در تلاش بسیج افکار صلح طلبانه است

برای کشاندن طالبان بر سر میز مذاکره انجام می‌دهند، تلاش‌ها برای نهادینه‌شدن افکار صلح طلبان نیز جریان دارد. مقام‌های دولتی روز دوشنبه (۲۴ حمل / ۱۳ اپریل) کنفرانسی زیر عنوان بسیج افکار عامه و روند صلح برگزار کردند.

فرارمز تمنا رییس مرکز مطالعات استراتژیک وزارت خارجه افغانستان گفت یکی از دلایل اصلی ناامنی در افغانستان این است که کشورهای همسایه مشکلات و اختلافات شان را در این کشور حل می‌کنند: «افغانستان تنها کشوری در جهان است که به هیچ کدام از سیستم‌های امنیتی پیرامونی خود عضویت ندارد. علاوه از آن سیستم‌های امنیتی پیرامونی ما مشکلات امنیتی خود را در داخل افغانستان حل می‌کنند.» تمنا گفت ایران و پاکستان مشکلاتشان را بجای

مقام‌های دولتی و اعضای شورای عالی صلح نشستی را زیر عنوان بسیج افکار عامه و روند صلح در کابل برگزار کردند. هدف از این کنفرانس ترویج افکار صلح طلبانه در میان مردم است.

رییس جمهور غنی هفت ماه پیش وقتی به قدرت رسید، تلاش‌هایش را برای تأمین صلح در افغانستان آغاز کرد. بسیاری از آگاهان می‌گویند این تلاش‌ها مثرتر از فعالیت‌هایی بوده که حامد کرزی رییس جمهور پیشین افغانستان انجام داده بود.

اما هنوز دست آورد عملی این تلاش‌ها ملموس نیست. مقام‌های حکومت افغانستان وعده دادند که گفت‌وگو با طالبان در ماه مارچ آغاز می‌شود اما این وعده‌ها عملی نشده و هنوز هیچ گفت‌وگویی با طالبان صورت نگرفته است.

در کنار تلاش‌هایی که حکومت و شورای عالی صلح

برشنا:

## صرفیه برق را از طریق موبایل پرداخت کنید



شرکت برشنا توافقهایی را با شرکت‌های مخابراتی افغان بیسیم، روشن و اداره کابلانک نو و اداره مریخ تکنالوژی جهت پرداخت صرفیه برق از طریق موبایل به امضا رساند.

ادامه صفحه ۶

## پنج نامزدوزیر برنامه‌های‌شان را به مجلس ارائه کردند



در ادامه روند ارائه برنامه‌های کاری نامزدان پیشنهادی حکومت، روز دوشنبه نیز پنج تن از نامزد وزرا برنامه‌های‌شان را به مجلس نمایندگان ارائه کردند. نامزدان وزارت‌های اقتصاد، مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، انرژی و آب، تجارت و صنایع و زراعت و مالداري به مجلس حضور یافتند و برنامه‌های کاری آینده‌شان را جهت کسب رای اعتماد ارائه کردند. عبدالستار مراد نامزد وزارت اقتصاد گفت که برای احیای اقتصاد کشور در چارچوب یک استراتژی ملی تلاش خواهد کرد. آقای مراد، چالش‌های فراراه این وزارت را برشمرد و تأکید ورزید که ظرفیت‌های انسانی، منابع طبیعی، موقعیت استراتژیک کشور را به عنوان فرصت‌های قابل توجه غنیمت می‌شمارد و با مدیریت درست این فرصت‌ها کشور را از ادامه کمک‌های خارجی بی‌نیاز خواهد ساخت. جلب حمایت سیاسی برای وزارت اقتصاد، حمایت

ادامه صفحه ۳

### در برگ‌ها



بومی سازی  
قدرت:  
راهی برای  
تأمین عدالت

خشونت  
در نگاه  
انتقادی  
اسلاوی  
ژیک



رویکردی  
آیلتیک  
به زیبا  
شناسی

سرزمین  
لعل و ادب  
را چی فتاده  
است؟



احمد عمران

# بومه سازی قدرت؛ راهی برای تأمین عدالت



می‌کند که مردم حس کنند افرادی از خودشان در مهم‌ترین اهرم قدرت در یک ولایت قرار دارند.

بومی‌سازی قدرت زمینه‌های رشد و توسعه را در سطح ولایات بالا می‌برد. و در ساده‌ترین استدلال این‌که وقتی یک نفر از محیط در رأس امور قرار گیرد، حس و مسوولیت‌پذیری بیشتری از خود برای حل مشکلات نشان می‌دهد. از جانب دیگر، افراد بومی با شناختی که از محیط و شرایط آن دارند و رابطه نزدیک با مردم برقرار کرده‌اند، زودتر چالش‌ها را درک می‌کنند و راه‌های بیرون‌رفت آن را می‌جویند. شما فکر کنید که وقتی یک نفر از یک ولایت دوردست جنوبی به یک ولایت دوردست غربی به حیث والی مقرر می‌شود، چه قدر زمان می‌برد تا با شرایط و محیط آشنایی پیدا کند، قدرت‌های محلی را بشناسد، چالش‌ها و مشکلات آن ولایت را که بدون شک با هر ولایت دیگری متفاوت است، درک کند و سرانجام تصمیم‌هایی بگیرد که به نارضایتی مردم دامن زند؟

طی سیزده سال گذشته، نمونه‌هایی وجود دارد که افراد غیربومی به دلیل عدم شناخت از محیط و مناسبات آن، باعث سرخورده‌گی شهروندان شده و با واکنش‌های منفی روبه‌رو شده‌اند. چندین والی در ولایات شمالی و شرقی کشور به دلیل عدم تشخیص محیط، به صورت حیرت‌انگیزی با واکنش‌های مردمی در سطح تظاهرات و حتا بیرون کردن اجباری از آن ولایات مواجه شده‌اند.

منطق حکومت‌داری حکم می‌کند که برای تأمین نظم و امنیت، از سهل‌ترین و موثرترین گزینه‌ها استفاده صورت گیرد و در افغانستان این گزینه، انتخاب والی‌ها و شهردارها از خود محیط می‌تواند باشد.

مناقشه نیست که موارد ابطال آن جست‌وجو نشود.

نظریه ابطال‌پذیری نه تنها در علوم تجربی کاربرد دارد، که به علوم اجتماعی نیز راه یافته است. نظریه غیربومی کردن قدرت در ولایات به وسیله افراد غیرخودی از ریشه و اساس با ابطال روبه‌رو می‌شود. به همین دلیل با توجه به شرایط و اوضاع افغانستان، باید بر طرح بومی‌سازی قدرت در ولایات تأکید صورت گیرد و سران دولت وحدت ملی برای این‌که بتوانند رخوت و رکود ولایات را به پویایی و پویانده‌گی بدل کنند، باید تلاش ورزند که با رای‌زنی و مشورت با مردم و نمایندگان‌شان، افراد لایق و مدبری را در هر ولایت تشخیص دهند و آن‌ها را در رأس امور بگمارند. به‌ویژه این‌جا بحث والی‌ها مطرح است و باید نسبت به این موضوع با طرح و برنامه عمل کرد.

شاید رییس‌جمهوری به دلیل این‌که والی‌های بومی روابط نزدیک با محیط و مردم دارند و قدرت در افغانستان همواره در حوزه‌های مشخص باقی می‌ماند، از غیر بومی کردن والی‌ها حمایت کرده باشد و یا هم در عقب این طرح، دیدگاه سیاسی وجود داشته باشد؛ اما نباید منافع کلان افغانستان را قربانی خواست‌های شخصی و مقطعی کرد. چرا از والی‌های بومی دفاع باید صورت گیرد؟... این طرح چند استدلال نیرومند را با خود دارد:

بومی‌سازی قدرت به ثبات و نظم در ولایات منجر می‌شود.

بومی‌سازی قدرت اعتماد و باور مردم را به نظام افزایش می‌دهد.

بومی‌سازی قدرت سبب می‌شود که مردم مشارکت واقعی در مسایل کلان سیاسی نشان دهند.

بومی‌سازی قدرت این امکان را مساعد

مناسبات قدرت در جامعه سنتی افغانستان به گونه‌ی رقم خورده که اعتماد نسبت به افراد خودی در میان شهروندان بیشتر از افراد غیرخودی بوده است. بر همین مبنا، بحث بومی‌سازی قدرت می‌تواند مطرح شود.

در حال حاضر، دولت افغانستان طرحی را دنبال می‌کند که بر اساس آن، والیان نباید از ولایت خود انتخاب شوند. این طرح در سیزده سال گذشته به گونه‌های متفاوتی مورد آزمون قرار گرفته است و می‌توان ادله له و علیه بسیاری برای آن نشان داد.

در سیزده سال گذشته ما ولایاتی داشتیم که به وسیله افراد بومی همان ولایات اداره و رهبری شدند. در عین حال ولایاتی هم داشتیم که از سوی افراد غیربومی مدیریت می‌شدند. تجربه نشان داده که افراد بومی در مدیریت وضعیت بیشتر موثر بوده‌اند تا افراد غیر بومی. حالا نام نمی‌بریم، ولی مثال‌های زیاد و مناسبی برای آن وجود دارد که برخی‌ها هم اظہر من الشمس‌اند.

در مجموع، تجربه سیزده سال حکومت‌داری نشان می‌دهد که افراد بومی در تأمین نظم، عدالت و امنیت نقش موثرتری داشته‌اند. هرچند که در این میان، برخی افراد غیربومی نیز می‌تواند وجود داشته باشند که توانسته‌اند به دلیل ابتکار و استعداد خود در مدیریت ولایات‌ها مفید واقع شده باشند؛ اما تعداد این افراد به شدت اندک است و از جانب دیگر، بر اساس منطق، استثنا نمی‌تواند قاعده باشد.

اگر به روش کارل پوپر عمل کنیم که برای هر فرضیه‌ی بخواهیم موارد ابطال آن را پیدا کنیم، طرح غیربومی‌سازی قدرت در ولایات، با ابطال روبه‌رو می‌شود و آزمون پذیرفته‌شده‌ی نمی‌تواند به شمار رود. پوپر به این نظر بود که یک نظریه تا زمانی محلی

## سخن ماندگار

### رویداد بدخشان

#### محصول فعالیت‌های ستون پنجم است

این روزها ولایت بدخشان از جمله نام‌ترین ولایت‌های کشور به شمار می‌رود. گزارش‌هایی که اخیراً از بدخشان نشر می‌شود، حکایت می‌کند که این ولایت وارد مرحله جدید ناامنی شده و می‌تواند بیشتر از این‌هم ناامن شود. گفته می‌شود که طالبان افغانی، پاکستانی و تروریستان ازبکستانی و چیچنی در بدخشان جمع شده‌اند و در برابر نیروهای ارتش می‌جنگند. ربودن نزدیک به سی تن از افسران ارتش در ولایت بدخشان توسط این‌ها، نشانگر آن است که اگر به وضعیت این ولایت توجه جدی نشود، بدخشان رفته‌رفته به نام‌ترین ولایت کشور تبدیل خواهد شد.

وقتی وضعیت بدخشان را با هلمند مقایسه کنیم، درمی‌یابیم اتفاقی که در این ولایت نسبتاً ناامن افتاده، تا کنون در هلمند که کاملاً ناامن خوانده می‌شود، تجربه نشده است. از سوی دیگر، طالبان در بدخشان جایگاه اجتماعی ندارند و آن‌جا جنگ‌هایی هم که قبلاً صورت گرفته، بیشتر ریشه در بازی‌ها و رقابت‌های محلی سیاسی و اقتصادی داشته است. اما رویداد اخیر، همه این ورق‌ها را برگرداند و چهره دیگری از بدخشان ارایه داد.

ربودن سربازان ارتش بعد از ساعت‌ها نبرد با تروریستان افغانی، پاکستانی، چیچنی و ازبکستانی و شهید شدن آن‌ها، نشان از آن دارد که ناامن کردن بدخشان تا سرحد ساقط ساختن این ولایت، شامل برنامه‌های سیاسی استخباراتی‌بی است که در ولایت‌های شمال جریان دارد و این، عمق فاجعه را وحشت‌ناک می‌نمایاند.

حالا که سه روز از رویداد بدخشان گذشته است، دلیل اسیر شدن افراد ارتش را بهتر می‌توان دریافت. واضح است که نرسیدن کمک‌های لازم بعد از تمام شدن مهمات جنگی و نیز نرسیدن آب و غذا طی چند روز، تاب و توان‌شان را ربوده و در نهایت، آنان را اسیر دشمن ساخته است.

بنابراین هیچ تلاشی نه از جانب مسوولان نظامی در مرکز و نیز هیچ همکاری‌یی از جانب نیروهای خارجی به‌خاطر نجات این سربازان صورت نگرفته است. چنین استنباط می‌شود که دستانی در درون صفوف نیروهای ارتش در این ولایت، در ربودن سربازان ارتش در کار بوده است. روایت‌های غیررسمی در برابر این رویداد، حکایت از آن دارد که در ربودن و شهید کردن سربازان ارتش، یک توطئه کلان در کار بوده است.

ولایت بدخشان به لحاظ موقعیت ویژه جغرافیایی‌اش، برای پاکستانی‌ها و طالبان از اهمیت خاصی برخوردار است. این ولایت نقطه عزیمت تروریستان برای ناامن کردن آسیای میانه به شمار می‌آید. بدخشان، به عنوان یکی از مراکز مهم کشت و قاچاق مواد مخدر نیز اهمیت خاصی برای باندهای تبه‌کار و مافیایی دارد و ناامن شدن آن، می‌تواند روی کل وضعیت در شمال و شمال‌شرق کشور تأثیر بگذارد. در کنار همه این عوامل و زمینه‌ها، نکته اصلی این است که بدخشان در راستای اعمال سیاست انتقال جنگ به شمال، بیشتر ناامن شده است. اما معلوم نیست که چه زمانی مسوولین امور به این نکته توجه می‌کنند.

حالا اولویت دولت وحدت ملی این است که رویداد بدخشان را مورد توجه قرار دهد تا دریابد که چه کسانی سربازان ارتش را حمایت نکردند، مانع ارسال کمک و نیرو به آن‌ها شدند و در نهایت، این سربازان دلیر وطن را دست‌بسته به دشمن تحویل دادند.

مسئلاً نتیجه این بررسی می‌تواند کشف و شناسایی ستون پنجمی باشد که در درون نظام و ارتش به نفع دشمن کار می‌کند.

فراموش نکنیم که این بار اول نیست که سربازان ارتش، مورد یک چنین شبیخون‌ها قرار می‌گیرند و اگر پشت صحنه این رویداد پی‌گیری نشود، بار آخر نیز نخواهد بود. تمام ارگان‌های نظامی و امنیتی کشور نیاز به یک پاک‌کاری بنیادی از وجود خیانت‌کاران، جاسوسان و عناصر متمایل به دشمن دارد و تا این مهم اجرا نشود، افغانستان روی آرامش را نخواهد دید.

# سرزمین لعل و ادب را چی فتاده است؟



بازتاب رویداد خونین بدخشان در صفحات اجتماعی فیس بوک

## عزیزالله آریاف

با ابراز اندوهی عمیق از تلفات سنگین نیروهای ارتش در بدخشان.

دیگر وقت تسلیم و سوگواری نیست؛ وقت اقدام است. بدخشان به هر قیمتی باید از وجود تروریست پاکستانی پاکسازی شود.

یک عملیات بسیار وسیع نظامی برای تصفیه منطقه همراه با راه اندازی یک عملیات اصلاحی و جابجایی ها در پست های اداری، امنیتی و قضایی که منجر به حکومت داری خوب شود می تواند مشکل را به صورت قابل ملاحظه بی محدود بسازد.

اما حل بنیادی مشکل، زمانی محقق می شود که پس از آسیب شناسی و عامل شناسی ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جنگ، یک استراتژی جامع امنیتی، اداری، قضایی، فرهنگی و اجتماعی برای نجات بدخشان از این وضع، تدوین و اجرا شود.

اشتغال زایی و جذب جوانان به خصوص جوانان مدرسه یی و جمعیت بیکار بدخشان در ولایات دیگر می تواند بخشی از این راهبرد باشد.

اما آیا اراده یی در این راستا وجود دارد که ما استراتژی بازمانده یی را در برابر استراتژی در حال اجرای دشمن درون مرزی و برنومرزی که در جهت تغییر جغرافیای جنگ و تبدیل بدخشان به یک ارض الجهاد گسترش یابنده نیروهای افراطی چند ملیتی به سوی آسیای میانه و مناطق خاصی در افغانستان قرار دهد؛ طرح و اجرا کنیم.

بلی، در صورت فعال شدن گروه های فشار و موضع گیری قاطع شورای ملی، حکومت و مردم بدخشان چنین چیزی ممکن است.

## کامیاب قربانی

### مادر وطن!

نزدت خجالتی که نمی توانم به سینه زخم خورده های مرهمی شوم، فرزندان اصیلات را فرزندان ناخلفات کشند، دگر فرزند با وقار و با احساس نداری که در دفاع از ارزش ها بی ایستد؛ تعدادی در قدرت اند که به جز از دایره خانواده شان فراتر نمی اندیشند، دگر به مادر باور ندارند، مادر وطن را به معامله گرفته اند، آن قدر ذلیل شده اند که بدون با دراهای شان نفس نمی کشند...

مادر وطن خجالتی...

## هوشمند فرارودی

### خدایا چی می شنوم!

سرزمین لعل و ادب را چی فتاده است؟ آدم چگونه با تسلیم گفتن، ادای ذین کند و تسلی دل خونین دهد! آخر، بدخشان و شهروندان با فرهنگش، چی نسبتی به ترور و سربردن دارند؟

باورم نمی شود که بشنوم که در سرزمین لعل و ادب و آزاده گی، جغدهای کوردل و ددمشان بی رحم، لانه گزین شده و درختان سربلند آزادی را سر از تن جدا می کنند! کجای بدخشان مردم با مدارا و فرهنگ پرورش، به توحش و بربریت می ماند؟ چرا لاشخوران کثیف در این مرز و بوم مجال اقامت و نفس کشیدن بیابند؟

نیک می دانم دستان و فکرهای پست و مزدورانه یی در این رویدادهای وحشت بار دخیل است. تردیدی نیست که هدف مندانه نیروهای ترور و دهشت را به سرزمین زیبای بدخشان هدایت کرده اند و هنوزم جایجا می کنند. هستند مشتی از خفاشان سیه اندیش که، تحمل خنده ی کودک بدخشی و تخاری و سمگانی را ندارند. بدخشان نه دیروز و نه اکنونش، به ترور و توحش ربط دارد!

بخدا حیف است سر جوانان دلیر و نازنین بدخشانی و شمالی، هر روز زیر مدیریت کسانی و به دفاع از کسانی ریخته شود که پیشیزی ارزش ندارند! این جماعت، به جان یک سرباز عزیز وطن چی که، ارزش یک قطره خون او راست قامت و مدافع ارجمند بدخشی و قندهاری را ندارند. درست است که جوانان ما به خاطر دفاع از سرزمین و تمامیت ارضی خویش در برابر گروه های ترور و دهشت می ایستند و جان می دهند، اما در سویی دیگر، مسوولان ذریط چقدر به این قربانی ها بها داده و می دهند و به چی پیمانانه توجه و دلسوزی از خود در این زمینه ها، بیرون داده اند؟

آخر جان برادر و عزیز من به چی بهایی ریخته شود؟ هر ساعت، پیکر جوانانی، گلگون می شود که تنها نان آور خانه فقیرانه خود اند؛ اما در ساده ترین وضع و به دلیل ناکارگی و ذلت پذیری مسوولان؛ ما دیگر به چی و به کی دل ببندیم و امیدوار باشیم؟ به لحاظ خدا نگذارید از این بیشتر پایمال و در بدر چند تا طالب و تروریست نکتایی پوش گردیم. دیگر چیزی برای مان باقی نمانده است! می پرسند که کی ها مقصرص اند؟

برادر! هر چی مسوول و دست اندر کار است مقصر است. در همه خون هایی که ساعت وار در این سرزمین به ناحق ریخته می شود، همه دخیل اند و حتا شریک! اگر وجدان دارید هر چی سلسله مراتبی که در این قضایا دست اندر کار است را محاکمه کنید و برطرف!

آنهایی که هنوزم طرح خیانتانه مذاکره با طالب و حزب اسلامی حکمتیار و تروریست های معلوم الحال را دنبال می کنند، شریک این همه رویدادهای خونین اند. همه طالبان نکتایی پوش شریک مستقیم این جنایات هستند.

به من چی ربطی دارد که مسوولان ما به دفاع از چند عیاش و لومین در عربستان و کشورهای عربی برخیزند. حرمین شریفین در جای خودش باقیست، کسی هم بالای حرمین شریفین حمله ور نشده است. اما اکنون بالای مردم ما هزاران حمله و جنایت صورت می گیرد. خادمان حرمین شریفین اگر وجدان دارند و خود را مسلمان می دانند، لطفا بفرمایند دست میلیون ها بیوا و یتیم و مظلوم را در این سرزمین بگیرند که برای شان پادش دنیا و آخرت را هم به همراه دارد!

در ضمن اگر نیروی نظامی و فرصت و امکانات در کشور داریم، نخست با استفاده از آنها به امنیت شهروندان خود توجه کنیم و مردمان مظلوم را از چنگ اژدهای ترور نجات دهیم...

به سربازان کشور از اثر فساد و دزدی و ناکارگی، در گرما گرم مبارزه تجهیزات و تیل و نان نمی رسد که در برابر نیروی خون آشام مقاومت کنند، بعد می آیم و دعوی عجیب و غریب دفاع از جهان و نمی دانم عربستان را بلند می کنیم. اگر مسوولان با وجدان هستند و خون سرباز و انسان بدخشی برای تان ارزش دارد، همین اکنون والی ناکاره بدخشان، قومندان امینه، مسوولان امنیتی، لوی درسینز ناکاره و ... از کار بر طرف کنید و به زندان شان سوق بدهید...

## همایون پاییز

نزدیک به چهل سال است که این جغرافیا به ماتم سرا مبدل گردیده است؛ حادثه بدخشان تداوم همان ماتم همیشگی یی است که بعضی ها فکر می کنند که این همه از جانب خداست، اما من به این باور هستم که خدای رحمان و رحیم هرگز به بنده گان بیبنا و فقیرش چنین ظلمی روا نمیدارد...

اما، می بینم دوستان در نوشته های شان از اشرف غنی و حکومتش گله مند اند که چرا دست به کار نمی شود و جلو چنین حادثات المناک را پیش از وقوع نمیگرد؟ ...

دوستان آقای غنی همان دزد و گرگی است که به تعبیر ایرانیان استکبار جهانی به این مسند رسانیده اندش و او وظیفه دارد که میدان را برای جولان آنها تا دروازه های ماسکو و این طرف تا دروازه های بیجینگ آماده گرداند. شاید به هفته فیهما سواالی مطرح شود که آقای غنی در این بازی فاجعه بار چه نفع می برد؛ جواب روشن است: تضمین حاکمیت لرزان قومش تا قیامت.

## جاوید کوهستانی

هموطنان، نمی دانم مسوولین وزارت دفاع، قول اردوی شمال و اعضای محترم شورای امنیت از دیدن سرهای بریدن و پیکرهای تپیده در خون افسران و سربازان عزیز کندک دوم در ولسوالی جرم بدخشان که ساعت ها مقاومت کردند و هرگز کمک هوای، توپچی و زمینی برای شان نرسید و مظلومانه بعد از اسارت به شهادت رسیدند، چه پاسخ دارند. آیا جز خدا کسی هست تا به داد مظلومان برسد، یا این همه سازمان یافته است. واکنش مردم چیست؟ اگر من در

جای دگر جنرالان اردو و سایر مسوولین بودم ابرومدانه به جای توجیه اشتباهات مکرر کنار می رفتم تا کدام وطن دوست و صادق جایم می آمد و کاری انجام می داد که مردم از سر درگمی رهایی می یافتند .

## شفیق الله سلیم پوپا

وزارت دفاع ملی باید پاسخ دهد اگر این رویداد در کدام کشور دیگر اتفاق می افتاد، باور کند چندین مقام از سمت شان استعفاء می دادند چون آنجا انسانیت هنوز زنده است .

اما در کشور ما بیشتر از ۴۸ ساعت از این رویداد خونین و درد آور می گذرد، اما کجاست وجدان بیدار مسوولیت پذیر و چیزی به نام انسانیت که حد اقل واکنش نشان دهد ...؟؟؟ این سربازان انسان هستند و شهروند همین کشور اند، فقط به جرم پاسداری از نوامیس وطن در ولایت بدخشان به چنین سرنوشت گرفتار شدند.

قوماندان کندک اردوی ملی به کابل تشریف داشتند. قوماندان امینه ولسوالی هم به هندوستان تشریف داشتند . حالا کی باید پاسخگو باشد؟

هی وای به شما مسئولین درجه اول حکومتی و مسئولین امنیتی که چگونه به خود بعنوان یک انسان اجازه می دهید که نفس بکشید ...؟؟؟

## رحمت نیکان

مسول سرهای بریده سربازان و منصوبین کندک دوم ولسوالی جرم بدخشان کیست؟

نماینده مردم بدخشان در مجلس نماینده گان می گوید دولت مردان و مسوولین بلند رتبه ارتش ملی ازین رویداد قبلاً آگاهی داشتند و می دانستند چنین اتفاقی رخ می دهد، اما با آنها هیچ گونه کمک از طرف وزارت دفاع ملی و سایر نیروهای امنیتی به کندک دوم ولسوالی جرم بدخشان صورت نگرفت که بعد از چند ساعت مقاومت طالبان باسلحه سنگین توانستند این محافظین ارتش را به اسارت در آورده و سرهای شان را از تن جداسازند.

داکتر عبدالله عبدالله و داکتر اشرف غنی به ملت چی پاسخی خواهند داشت؟ آیا هنوز مسوولان ارشد وزارت دفاع چشم بقا به سمت های شان را دارند؟ یا اینکه این یک پلان از قبل طرح ریزی شده میان سران بلندرتبه دولت بوده تا سمت شمال را یکی پی دیگر مانند قتل های زنجیره یی سران جهاد و مقاومت از میان برداشته و مناطق تحت نفوس مجاهدین را ناامن ساخته و در اخیر پایگاه های طالبان را به ولایات شمال انتقال دهند؟

طالبان چگونه توانستند کندک دوم ولسوالی جرم را به اسارت در بیاورند؟ آیا بدون پلان و دست قدرت های درون دولتی یک توده کوچک بدون هیچ امکانات هوایی و توپ و تانگ قادر به چنین حمله یی خواهد بود؟ چرا وزارت دفاع ملی در خصوص این رویداد بی بدیل بانک از قبل آگاه بوده سکوت اختیار نموده و بی نجات این محافظین لاقفل گامی نبرداشت؟

وزارت دفاع ملی تسلیحات سنگین و چرخبها و توپ و تجهیزات هوایی و زمینی سنگین را در چه روزی به کار خواهند انداخت؟ آیا بدتر ازین رویداد روزی هم خواهد رسید تا قول اردوی شمال و اعضای شورای امنیت از کمک های هوایی و توپچی و تسلیحات زمینی کار گیرند؟

در اخیر، پاسخ شورای امنیت و وزارت دفاع ملی علل خصوص مسوولین قول اردوی شمال به ملت و خانواده های این شهدا چی خواهد بود؟

## پنج نامزد وزیر برنامه های شان...

دولت از طریق وزارت مخابرات به دست می آید. آقای وحیدی افزود که هم اکنون مردم از ارایه خدمات و قیمت مخابراتی راضی نیستند و تاکید کرد که در صورت کسب رای اعتماد مجلس، برای دریافت راه حل های تخنیکی و علمی برای این مشکل تلاش می کند.

او بیان داشت که ثبت سیم کارت های تلفون همراه را نیز قانونمند می سازد.

علی احمد عثمانی نامزد وزارت انرژی و آب نیز یادآور شد که برای مهار آبهای کشور و استفاده از آن می کوشد.

اصلاحات در سیستم مدیریتی، مبارزه با فساد، اعمار بندهای کوچک و بزرگ، جهت آبیاری زمین های زراعتی و تولید برق، توسعه متوازن، توجه به سکتور خصوصی، تنظیم سیاست آبی، تدقیق در حوزه های آبی و سایر برنامه های اقتصاد محور و اشتغال زا را در دستور کار آقای عثمانی قرار دارد.

او روی تولید برق حرارتی از طریق استفاده از ذغال سنگ نیز کار خواهد کرد.

همایون رسا نامزد وزارت تجارت هم گفت که برای توسعه و رشد تجارت در کشور کار می کند. آقای رسا به مشکلات چون فساد گسترده در گمرکات، بهای زیاد تولید در افغانستان و نبود تعادل در صادرات و واردات اشاره کرد و وعده داد، در صورتی که اعتماد نماینده گان را حاصل کند به چالش ها رسیدگی جدی خواهد نمود.

اسدالله ضمیر نامزد وزیر زراعت و مالداری نیز وعده داد که به توسعه زراعت در کشور تا مرز خودکفایی و جلوگیری از قطع بی رویه ی جنگلات کار خواهد کرد.

آقای ضمیر گفت که برای رشد زراعت، پارک های بزرگ صنعتی زراعتی را در چندین شهر بزرگ کشور ایجاد می کند.

اصلاحات تشکیلاتی، استخدام متخصصین زراعتی، ارایه خدمات بهتر برای دهاقین و بلند بردن ظرفیت تحقیقاتی زراعتی جزو برنامه های دیگر آقای ضمیر است.

تا هنوز ۱۱ نامزد وزیر برنامه های کاری شانرا به مجلس ارایه کرده و به روز چهارشنبه روند ارایه برنامه از سوی نامزد وزیران به پایان خواهد رسید. قرار است پنج نامزد وزیر دیگر به روز چهارشنبه برنامه های شانرا به مجلس ارایه کنند و پس از آن در آغاز هفته آینده برای این نامزد وزرا صندوق گذاشته خواهد شد.

بخش نخست

## ماه گرفته‌گی؛

## خرافات یا واقعیت؟

داکتر داریوش دایر

واژه ماه گرفته‌گی، قدمتی به طول تاریخ بشریت دارد. در زمان‌هایی که بسیاری از بیماری‌ها و تغییرات بدنی و پوستی دلایلی ناشناخته داشت و با هاله‌یی از خرافات و تصورات پوشیده شده بود، ایجاد لکه‌هایی به رنگ سرخ تیره یا شرابی را با تغییرات ماه مرتبط می‌دانستند. در واقع چنین تصور می‌شد که مادران چنین کودکانی در بارداری، هنگام پدیدۀ «خسوف یا ماه گرفته‌گی» به ماه نگاه کرده‌اند یا دست بر شکم خود گذاشته‌اند که نقطه‌یی از بدن جنین دچار «ماه گرفته‌گی» شده است.

گاهی هم این تغییر پوستی به دلیل نفرین یا لعنت ساحران و گاه نیز ناشی از جای منقار لک‌هایی تصور می‌شد که کودک را از پس گردن گرفته و از بهشت به زمین و نزد والدینش آورده بودند. در واقع تمامی این تصورات، باطل و بدون منطقی بوده و این تظاهرات پوستی ناشی از «اختلالات مویرگ‌ها» هستند و بس.

علت بروز این لکه‌های پوستی چیست؟

علت ایجاد این ضایعات پوستی، اختلالات ژنتیک در شکل‌گیری عروق زیرپوستی است. والدین این کودکان معمولاً علایمی از اختلالات پوستی ندارند و الزامی ندارد که مثلاً پدر یا مادری خود این مشکل را داشته باشد تا فرزندی مبتلا از آنها متولد شود. از نظر ظاهری، این اختلالات عروقی عموماً صورت بیمار را درگیر می‌کند، گرچه احتمال درگیری هر نقطه‌یی از بدن نیز وجود دارد. میزان بروز بیماری بین یک تا دو درصد است. در ناحیه صورت انتشار ضایعات در مسیر عصب سه قلو است که وظیفه عصب‌رسانی به صورت را دارد و بالا و دور چشم، بالای گونه و لب و فک پایینی را درگیر می‌کند.

همچنین گسترده‌گی ضایعات می‌تواند تا مخاط لب‌ها و لثه‌ها نیز برسد. ضایعات ابتدا به رنگ صورتی کم‌رنگ است ولی تدریجاً و با گذشت زمان رنگ آنها پررنگ‌تر شده و ممکن است این رنگ ثابت بماند یا در ناحیه تنه یا دست‌ها کم‌رنگ‌تر شود. در ناحیه صورت، لکه‌ها به تدریج ضخیم‌تر می‌شوند و برجسته‌گی‌های بادکنکی شکل عروقی و دیگر اختلالات عروقی نیز ظاهر می‌شوند و کم‌کم منطقه درگیر بزرگ‌تر و زمخت می‌شود. استخوان‌ها بزرگ‌تر از سمت مقابل شده و دندان درآوردن نیز زودتر رخ می‌دهد و اگر گسترده‌گی ضایعات به اندام‌های بیمار (دست‌ها یا پاها) رسیده باشد، این اعضا ممکن است بزرگ و ضخیم و بدشکل نیز شوند.



لکه‌های سالمونی و موقت

اختلالات مویرگی دو دسته عمده دارند؛ لکه‌های سالمونی (به علت شباهت رنگ این ضایعات به رنگ گوشت ماهی سالمون چنین اسمی دارد) و لکه‌های شرابی‌رنگ. لکه‌های سالمونی اختلالات عروقی بسیار شایعی بوده و معمولاً همه نژادها را درگیر می‌کنند. ظاهر آنها به شکل لکه‌هایی نامتقارن و صورتی تا سرخ‌رنگ است که گاهی ممکن است رگه‌هایی از عروق بزرگ پوستی (تلائزکنازی) بین این لکه‌ها دویده باشد. این لکه‌ها معمولاً از پشت گردن شروع شده و تا ناحیه پشت جمجمه یا حتا تا جلو سر و منطقه پیشانی می‌رسد و تا بالای پلک‌ها یا پل بینی را درگیر می‌کنند.

بخش پنجم



## خشونت در نظرگاه انتقادی

## اسلاوی ژیزک

کیانوش دل‌زنده

انسان دو نیم شده عصر معاصر در ذات درونی انسان است، حتا اگر پیش از فراتر بگذارد. نواقص موجود چه در درون سوژه و چه در فرایند سوژه شدن و حضور او در بیرون از خود، زمینه را برای از خودبیگانه‌گی و جابه‌جایی میل فراهم آورد. به نحوی، اگر خشونت تحقق میل سوژه را فراهم نیاورد، تنها زمینه را برای خشونت پنهان و مضاعف دیگری فراهم می‌آورد. به واسطه همین نقصان، ژیزک به نواقص درونی و بیرونی اشاره می‌کند. در گزاره ژیزک در باب اطاعت از قانون خود گویا است. پنهان شده‌گی و عدم تعیین که خاصیت تجلی بودن خشونت می‌باشد، در واقع راز مضاعف بودن آن را تشدید می‌کند. «اطاعت از قانون نه تسلیم شدن به فشار خارجی، یا به اصطلاح زور عریان غیر عقیدتی است، بلکه اطاعت از امر است از آن حیث که مافوق درک و فهم است، از آن حیث که دارای خصلت غیر عقلانی است: این خصلت ترومایی و هضم نشدنی قانون نه تنها آمریت کامل آن را مخفی نمی‌کند، بلکه شرط برداشتگر آن است.» (ژیزک، عینیت ایدیولوژی، ۱۳۹۰: ۸۶)

تقسیم‌بندی خشونت با گزاره‌های اجتماعی بنیامین ژیزک با مفاهیم روان‌کاوانه لاکانی امر واقع، نمادین، امر خیالی که به واسطه میزان درک شده‌گی سوژه از خشونت و گزاره الهی / اسطوره بنیامین که مبتنی بر تمایز تجلی یافتن خشونت و واقعی بودن آن است، خشونت را به سه قسم تقسیم می‌کند. الف: خشونت عریان که نمایان‌ترین ضلع سه‌گانه خشونت در نگاه ژیزک می‌باشد، خشونتی که قابلیت

نمادین شدن را دارد؛ به زبان و قالب‌های گفتاری تبلور یافته می‌یابد و کنش‌گرانه است. بستر حضور این نوع خشونت قانون می‌باشد. «این خشونت تنها در نمونه‌های آشکار و بسیار بررسی شده برانگیخته‌گی و مناسبات سلطه اجتماعی که در قالب‌های گفتاری عادت شده‌مان بازتولید می‌شوند در کار نیست، بلکه شکل بنیادی‌تری از خشونت هم وجود دارد که بازم به زبان در معنای دقیق کلمه یعنی به تحمیل جهان معینی از معانی توسط زبان باز می‌گردد.» (ژیزک، خشونت (پنج نگاه زیر چشمی): ۱۳۸۹: ۱۰)

ب: خشونت پنهان: دو قسم دیگر که اضلاع ناپیداتر را تشکیل می‌دهند کنش‌پذیرانه می‌باشند، که ژیزک از آن به عنوان خشونت سیستمی نام می‌برد که قابلیت نمادین شدن ندارد و در بستر مناسبات اجتماعی و اخلاقی به شکل «تجلی» نمایان می‌شود. خشونت سیستمی قابلیت سلطه و رهایی را توامان با هم دارد. این خشونت را می‌توان به دو وجه خشونت مضاعف و خشونت خدایگان تقسیم کرد. اولی به شکل پنهان سلطه دیگری بزرگ را به عهده دارد و دومی شکل رهایی‌بخشی. «فقط یک هیچ است که می‌تواند به هر چیزی شدن میل ورزد.» (ژیزک، گزیده مقالات (نظریه، دین، سیاست): ۱۳۸۹: ۲۴۸)

آیا «هیچ» مورد نظر همان تجلی نیست؟ تجلی یا کلیت در مرز نامعین و عدم حضور، تمام معنی تعیین و حضور را دارد؟ خشونت متجلی که اگر به دست زور گرفته شود، به بند می‌کشد و اگر در دست عدالت باشد، رها می‌گردد.

حضور این نوع از تقسیم‌بندی، گفتمان جدیدی در تاریخ فلسفه خشونت نیست. رساله نقد خشونت بنیامین که

## عابدین پاپی

## بخش سوم و پایانی

سرودن غزلی عرفانی و یا عاشقانه و اجتماعی، بستری عارفانه عاشقانه و یا اجتماعی را می‌طلبد تا بتوان خیال خود را در این بستر فرود آورد؛ زیرا که وقتی می‌گوییم درون‌مایه شعر عاشقانه است و یا سیاسی و اجتماعی، در واقع این درون‌مایه از بستری به نام منظر خاص خود اقتباس شده است. لذا نظر و منظر لازم و ملزوم یکدیگرند و البته نمی‌توان یکی را مقدم بر دیگری دانست. چه این که این دو بر اساس شرایط و تحولات اجتماعی دچار پوست‌اندازی می‌شوند و جای خود را به یکدیگر واگذار می‌کنند. شاید بتوان گفت نوعی همذات‌پنداری و دیگرپنداری در کنه این دو واژه پیداست که به درونیات فطری و طبیعی این دو واژه مرتبط می‌شود. بنابراین هر هنرمند برای سرایش، نواختن، خواندن و کشیدن و... نیاز به بستری به نام منظر دارد و تا منظری نباشد، خلاقیتی در کار نیست و طبعاً تا نظری هم نباشد، هرگز منظری به وجود نخواهد آمد. نکته این‌جاست که نظر می‌تواند فاعل باشد و منظر مفعول. ولی همین مفعول که منظر است نیز نظرسازی می‌کند. لذا هنرمند از نظر به منظر می‌رود و از منظر نیز به نظر می‌آید. با این تفصیل برای شناختن هر اثر هنری اعم از سنتی، مدرن و پست‌مدرن نیاز به شناخت از نظر و منظر می‌باشد و اگر هنرمند خوب بتواند با جهان اسطوره‌یی ذهنی و عینی ارتباط برقرار نماید و به اصطلاح منظر جهانی خود را پیدا نماید، هم چارچوب فکری خود را دریافت و هم این که خود را در اتمولوژی منظر خود سهیم ساخته است. بنابراین اغلب عدم شناخت ما از یک اثر هنری از شعر گرفته تا رمان و داستان و نقاشی و... این است که بستری به نام منظر را نمی‌شناسیم. یعنی با منظر جهانی اثر آشنایی نداریم و همین امر سبب شده تا از معرفت‌شناسی هنر به دور بمانیم. برای شناخت یک اثر هنری، نیاز به منظر هستی آن اثر ضروری است. به بیانی، آبخوری که از آن تناول می‌کنیم را باید به‌خوبی بدانیم تا به بی‌راهه کشانده نشویم. به عنوان مثال: شما در یک تابلوی نقاشی درختی را در منظری زمستانی مشاهده می‌کنید که کلاغ‌هایی بر روی شاخه‌های این درخت نشسته اند. لذا برای پی بردن به ساختار و محتوای این تابلو، باید منظر هستی این هنر را پیدا کرد که منظری رئالیسم است. در مقابل همین اثر رئال امکان دارد که با تابلویی مواجه شوید که مثلاً جوانه‌یی که باید بر شاخه‌های درختی بشکفتد، بر روی بازوی ستبری شکوفه زده که این بازوی ستبر می‌تواند از آن انسان باشد و یا موجود زنده دیگری. بنابراین، تصویر دوم تصویری رئال نیست و ما با نوعی آشنزادایی تصادم داریم که این آشنزادایی به ما تصویری سورئال را می‌رساند.

حال منظر نخست نوعی منظر رئالیسم است که مهم‌ترین ویژه‌گی آن وضوح است، ولی در منظر دوم که سورئال می‌باشد، ما با کاراکتری به نام ابهام سر و کار داریم. بنابراین زیباشناسی در اثر رئال را باید در وضوح اثر یافت و زیباشناسی در اثر دو را در ابهام. البته احتمال این هم می‌رود که در این اثر رئال ابهام وجود داشته باشد و یا وضوح در اثری رئال، ولی در هر شرایطی شناخت از منظر هستی این دو مفهوم و معنا را برای ما آسان می‌کند.

## ۳- زبان، فرهنگ و رنگ در مقوله زیباشناسی

(الف) زبان و فرهنگ  
(ب) رنگ

## (الف) زبان و فرهنگ

زبان اگرچه پلی است که ارتباط ما را با عالم فرارو برقرار می‌سازد، و یا به بیانی وسیله‌یی است که ارتباط ما را با دیگران برقرار می‌سازد؛ ولی پیامدسازی آن‌هم همیشه کارآمد نیست. چه این‌که به همین اندازه که فرهنگ‌سازی می‌کند، به همان قدر هم می‌تواند نوعی بدفرهنگی را ایجاد نماید. زبان وسیله‌یی است برای بیان فکر. بنابراین وقتی زبان سخنی را زیبا بیان کند، آن سخن را زیبا می‌پنداریم. به بیانی دیگر، نوع بیان و لحن بر زیبایی سخن می‌افزاید. اخلاق یکی از مولفه‌هایی است که در سخن باعث زیبایی سخن می‌شود. بنابراین زبان در زیباشناسی تأثیر اساسی دارد و باعث تضیح و تراوش زیبایی‌ها در هنر می‌شود. زبان به دو نوع گفتاری و نوشتاری تقسیم می‌شود. اگرچه خود زبان فی‌نفسه نماد نیست ولی پیامد معنایی آن باعث می‌شود که از آن به عنوان نمادی نمودار یاد کنند به گونه‌یی که جامعه‌شناسان در علم جامعه‌شناسی از زبان گفتاری و نوشتاری به عنوان نمادی بنیادی



## رویکرد آیدنیک

## به زیبا نتناسی

نیست، ولی در جهان ذهنی چون هنرمند با عینیات سر و کار ندارد، لذا ساختن زیبایی‌ها دشوارتر است. فصول سال در ایجاد زیبایی‌ها نقش سازنده‌یی دارند؛ به گونه‌یی که هنرمندان با نگاهی رئال و ناتورال دست به خلاقیت‌هایی زیبا می‌زنند اما رنگ‌ها در عالم ذهن با عالم عین در تفاوت‌اند. به‌خاطر همین است که زیباشناسان رنگ، در عالم ذهن و عین با هم به تفاهم نرسیده‌اند. به عنوان مثال شاعری که شعر سیاه و یا خاکستری می‌گوید با شاعری که شعر سفید و یا آبی می‌گوید، در تفاوت است. چون دنیای فکر و اندیشیدن آن‌ها از حیث ساختار و محتوا یکی نیست. البته این دو شاعر هر دو در عالم عین سیر می‌کنند ولی به نظر می‌آید که دنیای ذهن دنیای بی‌رنگی‌ها و یا دنیای رنگ‌های نوین است که این ویژه‌گی‌ها در دنیای عین یافت نمی‌شوند. نتیجه این‌که زبان، فرهنگ و رنگ سه پارامتر اساسی هستند که در تولد زیباشناسی در یک اثر نقش سازنده‌یی را بر عهده دارند.

## منابع و مراجع:

- ۱- افلاطون، پنج رساله، ترجمه محمود صناعی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۲- دکارت، اصول فلسفه، ترجمه منوچهر صناعی، تهران، انتشارات الهدی
- ۳- دیرکس، هانس، انسان‌شناسی فلسفی، ترجمه دکتر محمدرضا بهشتی، تهران، انتشارات هرمس
- ۴- تفاوت‌های زیباشناسی سنتی و نو، قیصر امین‌پور
- ۵- زیباشناسی ارسطو، ولا دیسلاو تاتار کویچ، ترجمه سید جواد فندرسکی، شادی مدادپور
- ۶- روش مشاهده: تحقیق میدانی و انترنتی
- ۷- تجربه تحلیل و تفسیر از نویسنده مقاله

هستند. بنابراین این‌که می‌گوییم فرهنگ در زیباشناسی تأثیر به‌سزایی دارد، درست گفته‌ایم؛ چرا که فرهنگ فی‌نفسه بدنال زیبایی است، چون فی‌نفسه شکل و شمایل آن زیبا و هارمونی شده است. به عنوان مثال: فرهنگ اجتماعی نمونه‌یی از این مصداق است. یکی از زیر شاخه‌های فرهنگ اجتماعی، فرهنگ پوشش یا مد می‌باشد که به عنوان نمادی نمادین خود را در جامعه به صورت نظام‌مند نشان می‌دهد. فرهنگ معنوی نیز از دیگر فرهنگ‌هایی است که زیبایی خود را به صورت ظاهر و باطن نشان می‌دهد. بنابراین با زیباشناسی فرهنگ می‌توان به زیبایی‌های فرهنگ پی برد. فرهنگ غذا خوردن نیز یکی از فرهنگ‌هایی است که در نوع خود دارای زیبایی‌های خاصی است. چه این‌که در زیباشناسی فرهنگ غذا نوعی نظم و انضباط نهفته که اگرچه بر سر سفره غذاهایی جنگ‌آسا وجود دارد ولی کنش‌های انسانی به عنوان فرهنگی فرارونده ما را در تناول غذا نظام‌مند می‌کنند و این نظام‌مند بودن، خود نوعی زیبایی است. به نظر می‌آید که مهم‌ترین عنصری که فرهنگ ملل را زیبا می‌کند، زبان است و مهم‌ترین عنصری هم که فرهنگ‌ها را به سمت نازیبایی سوق می‌دهد، زبان. فرهنگ در جهت شکل‌گیری زبان‌ها موثر است و خیلی از زبان‌ها از فرهنگ‌ها تبعیت می‌کنند و در جهت پر و بال دادن به ماهیت و ساختار خود از همین فرهنگ‌ها ارتزاق می‌کنند. اما اگرچه زبان فرهنگ‌سازی می‌کند و فرهنگ نیز می‌تواند زبان‌ساز باشد، ولی از این نگاه اولویت با زبان است.

دیگر نکته رنگ است که در زیبایی نقش عمده‌یی دارد. رنگ‌ها فی‌نفسه و در ذات خود زیباوند و به همین خاطر نیز به بدنال زیباشناسی هستند. رنگ‌ها در دو جهان طبیعی اجتماعی و جهان ذهنی شکل می‌گیرند. در جهان طبیعی ما با انواع رنگ سر و کار داریم و زیباشناسی رنگ‌ها در این دنیا زیاد دشوار

یاد کرده اند. با این حال، زبان رابطه یک ملت را با ملل دیگر پُر بار می‌کند و برعکس می‌تواند این رابطه را در حوزه‌های مختلف کم‌رنگ سازد. زیباشناسی در زبان به دو صورت تصویر می‌شود. نخست زبان ساختاری است. یعنی کار زبان در این مرحله پرداختن به زیبایی‌های ساختاری در یک اثر است و بیشتر هنرمند به بدنال فرمی‌کال نشان دادن اثر. زبان در این مرحله نیت بر آن دارد تا ماهیت‌هایی را در ساختار اثر به تصویر بکشاند و خواننده را با معیارهایی آموزنده که از ساختار اثر وجود دارند، آشنا سازد. ولی در زبان محتوایی بدین شکل نیست. چون کار زبان فلسفیدن در ساختار اثر هنری نیست، بلکه به بدنال تصویر معنا و به اصطلاح آیدتیک اثر است. زبان در این مرحله به بدنال پدیدایی زیرلایه‌هایی مفهومی و جان‌مایه‌دار از اثر بوده که با این روند بتواند به تصاویر زیبایی از اثر دست یابد. به نظر می‌آید که بدون زبان هیچ اثری زیبایی خود را پیدا و تصویر نمی‌کند. با این تعابیر هم نمی‌توان هر اثر هنری را دارای زبان دانست؛ چون نگاه فلاسفه به هنرهای کلامی و هنرهای غیرکلامی متفاوت است، ولی از این نگاه هیچ اثری بدون زبان آثار نمی‌شود.

دیگر مقوله فرهنگ است. فرهنگ که تعاریف متفاوتی از آن شده و در آثار بزرگان علم مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز قابل تصویر است، از دیگر نشانه‌هایی است که در زیباشناسی نقش عمده‌یی را ایفا می‌کند. کار فرهنگ نمادسازی است، یا می‌توان گفت خود فرهنگ فی‌نفسه از دامن نمادها به وجود می‌آید. فرهنگ از مجموعه شناخت‌هایی مشترک به وجود می‌آید که این شناخت‌ها به بدنال نظام‌مند کردن یک پدیده اند. هر پدیده‌یی می‌تواند نوعی فرهنگ تلقی شود. چه این‌که از پدیده طبیعی گرفته تا پدیده‌های اجتماعی دارای نظامی از مجموعه‌ها و مجموعه‌یی از نظام‌ها

## خشم معاون ریاست اجرایی و وزیر خارجه از وضعیت امنیتی



در چهاردهمین جلسه نوبتی شورای که روز گذشته تحت ریاست داکتر عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی برگزار شد، مقام‌های ارشد دولتی از وضعیت امنیتی به شدت ابراز نگرانی کردند.

گزارش مسوولان امنیتی از حوادث اخیر، خشم برخی مقام‌ها از جمله معاون ریاست اجرایی و وزیر امور خارجه را برانگیخت.

بر اساس خبرنامه ریاست اجرایی، در نشست شورای وزیران سرپرست وزارت دفاع ملی به ارایه گزارش امنیتی در جریان هفته گذشته پرداخته و در مورد حمله دشمنان دولت و شهروندان کشور بالای سربازان کشور در ولایت بدخشان گفت: با تأسف که یک حادثه در بدخشان در ساحه آب خوسته رخ داده است و نیروهای دفاعی کشور را حوالب ساعت ده کم سه بجه جمعه شب سربازان ما را هنگام تغییر و تبدل نوبت دیدبانی و نظارت غافلگیرانه هدف قرار داده است و در دهنه آب خوسته یک پوسته اولی را از کنترل نیروهای دفاعی ما بیرون می‌کنند و در نتیجه به تجهیزات موجود در پوسته دست می‌یابند و بر سربازان ما در پوسته‌های دیگر آتش می‌کنند.

سرپرست وزارت دفاع افزود، این رویداد تحت بررسی قرار دارد، اما خط کنونی نیروهای دفاعی ما در حالت آماده باش قرار دارند و هم چنان در هنگام رویداد شمار از شهروندان خارجی نیز در میان حمله‌کننده‌گان دشمن دیده شده است.

سرپرست وزارت دفاع افزود: "در این رویداد ۲۷ جنگجوی دشمن نیز کشته شده اند که ۷ تن شان شهروندان خارجی می‌باشند و همچنان، دو تن از مسوولین کندک اردوی ملی در ساحه که هنگام رویداد در کابل بوده‌اند تحت تحقیق قرار دارند."

صلاح‌الدین ربانی وزیر خارجه کشور در این نشست در پیوند به گزارش وزارت دفاع گفت:

"گزارش‌هایی که من دارم وضعیت بسیار وخیم‌تر از این است که آقای نظری گزارش می‌دهد. ضعف رهبری اردوی ملی سبب شده است که این فاجعه بزرگ اتفاق افتد. با وجود گزارش‌های امنیتی که به مسوول کندک در این ساحه رسیده است، در شب حادثه سه فرد مسوول در ساحه حضور نداشته‌اند. کوتاهی که صورت گرفته است نیاز به بررسی‌های جدی دارد. من در جلسه شورای امنیت در این رابطه صحبت‌های جدی با مسوولان دارم.

هم چنان، محمد محقق معاون دوم ریاست اجرایی کشور در مورد وضعیت امنیتی گفت: این یک موضوع واضح بود که در بهار امسال تروریست‌ها می‌خواستند در هماهنگی طالبان داخلی و تروریست‌ها خارجی که حالا داعش نیز به جمع شان اضافه شده است، جنگ را به سمت شمال بکشانند. برای همین من چندین بار در جلسه شورای امنیت هشدار داده بودم که باید آماده‌گی‌های لازم را داشته باشیم. حالا هم اینجا در شورای وزیران یادآور می‌شوم و هم در بعدا در جلسه شورای امنیت در این مورد به صورت جدی دیدگاه خود را مطرح می‌کنم. ما در مرحله‌ی رسیده‌ایم که فرصت هیچ‌گونه کوتاهی در این مورد را نداریم. صحبت‌ها در جلسه شورای امنیت جدی باشد. ما به یک فکر و برنامه جدی نیازمندیم."

در این حال، داکتر عبدالله رییس اجرایی کشور به سرپرست وزارت دفاع ملی هدایت داده که در مورد گزارش‌هایی که از ساحه برایشان می‌رسد باید از دقت لازم کار بگیرند و بر منای اصل واقعیت باید تصمیم گرفته شود.

# رونمایی از عنوان جعلی "حکومت وحدت ملی"

علی پارسا

خوانش میان دو دسته ریاست‌جمهوری و ریاست اجرایی، فضای عمومی تازه آسوده را آلوده کرد. اختلاف‌نظرها و تفاوت قرائت‌های هر دو تیم، تنها آفت و عارضه تحمیل‌شده بر موافقت‌نامه نبود. موضوع مهم‌تر در این توافق‌نامه که فراتر از بحث اکنونیت تقسیم قدرت بود، مسأله «تعدیل قانون اساسی» و تغییر نظام ریاستی به پارلمانی بود که پیش‌شرط اصلاح نظام انتخاباتی را هم در درون خود داشت. بر اساس متن موافقت‌نامه، قرار بر این شد که رییس‌جمهور پس از مراسم تحلیف، به مشوره ریاست اجرایی، کمیسیونی را به منظور تهیه پیش‌نویس تعدیل قانون اساسی تشکیل دهد و پس از پایان کار این کمیسیون، لویه جرگه‌یی با هدف اعمال این تعدیلات و تغییر نظام فراخوانده شود. به این ترتیب، در مدت دو سال پس از توافق بر سر این موافقت‌نامه و تشکیل حکومت وحدت ملی، نظام پارلمانی با حضور صدراعظم اجرایی جای نظام ریاستی کنونی را خواهد گرفت. در همین راستا قرار دیگر بر این بود که پس از مراسم تحلیف، رییس‌جمهور غنی فرمان تشکیل کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی را صادر کند تا با پُر کردن خلأهای موجود در نظام انتخاباتی، بار دیگر افغانستان طعم تلخ بحران انتخاباتی را نچشد و مجبور نشود برای عبور از بحران، بار دیگر جام زهر را سر بکشد.

به این ترتیب باید گفت که مهم‌ترین برنامه استراتژیک معطوف به آینده در دل این توافق‌نامه، روی دست گرفتن تمهیدات تعدیل قانون اساسی و تغییر نظام با پیش‌شرط اصلاح نظام انتخاباتی است. با وجود این اما چنان‌که دیده می‌شود، تا کنون هیچ اقدام عملی هدفمندی به منظور دست یافتن به این هدف استراتژیک دیده نمی‌شود. این بدین معناست که حکومت نام‌نهاد «وحدت ملی» هیچ عزم و اراده‌یی برای تحقق این مهم ندارد. تنها قدم سست و بی‌نتیجه‌یی که در این راستا برداشته شده که آن‌هم ناشی از فشارهای بسیار سیاسی و اجتماعی بوده، تشکیل کمیسیون اصلاح و تعدیل نظام انتخاباتی است که آن نیز در انبوهی از اختلافات گیر مانده است. نصب کسی مانند شکرپه بارکزی - که خود در

## دولت در تلاش بسیج...

این کشور به هیچ سیستم امنیتی وابسته نیست و این سیستم‌ها رقابت‌های شان را در داخل افغانستان به پیش می‌برند. رییس مطالعات استراتژیک وزارت خارجه می‌گوید این کشور زمانی امن می‌شود که به یکی از سیستم‌های امنیتی منطقه‌یی و یا جهانی بپیوندد: «کشوری مثل ما برای دست‌یابی به امنیت دو راه حل دارد. یا به سیستم امنیتی منطقه بپیوندد که امکان پذیر نیست یا این که به سیستم امنیتی سایه ناتو بپیوندد که در این مورد یازده موافقت‌نامه با کشورهای اروپایی صورت گرفته است.»

تشدید جنگ به جای صلح مردم افغانستان پس از سفرهای رییس‌جمهور غنی

## صرفیه برق را از طریق...

شرکت برشنا روز گذشته در کنفرانسی گفت: این سیستم ظرفیت ۱۰ میلیون مشترک دارد و همزمان به صورت آنلاین پول دریافت می‌شود. وی تصریح کرد: بعد از این مشترکین می‌توانند بدون مراجعه به بانک و یا نماینده‌گی شرکت برشنا، پول صرفیه برق خویش را از طریق شرکت‌های مخابراتی افغان بیسیم (پولم) روشن (ام بیسه) شماره ۳۱۳۱ کابل بانک نو و (کیاسکه

## در بدخشان ۳۳ عضو ارتش...

بریده شده‌اند. این آمار پس از آن اعلام می‌شود که عکس‌هایی از اجساد سرب‌بریده شده منسوب به این افراد در شبکه‌های اجتماعی به صورت گسترده‌یی پخش شد. برخی از ساکنان ولایت بدخشان گفته‌اند که آمار واقعی تلفات نیروهای امنیتی در این نبرد بیشتر از آن است که از سوی مقام‌های دولتی اعلام شده است. دولت وزیری سخنگوی وزارت دفاع به بی‌بی‌سی گفته

انتخابات پُرتنش پیشین از هیزم‌آوران دسته‌اول معرکه بود - از سوی رییس‌جمهور غنی بر رأس این کمیسیون نه‌تنها به معنای برداشتن گامی مثبت به سوی اصلاح واقعی نظام انتخاباتی نیست، که حتا به معنای عقب‌گشت در روند کار و افزودن گرهی دیگر به کلاف کور حکومت وحدت ملی است.

این در حالی است که تا کنون تلاش‌ها و تقاضاهای بسیاری از آدرس جامعه مدنی، نهادهای انتخاباتی، جناح‌های سیاسی و اجتماعات مردمی در راستای اصلاح نظام انتخاباتی صادر شده است. کمیسیونی که قرار بود در فردای مراسم تحلیف شروع به کار کند، با گذشت شش‌ماه از آن روز، هنوز که هنوز است شروع به کار نکرده و چه بسا این‌که هنوز اندر خم کوچه اول است!

مسأله اساسی‌تر، تشکیل کمیسیون تهیه طرح تعدیل قانون اساسی‌ست که گویی به گونه مطلق به فراموشی سپرده شده است. در توافق‌نامه حکومت وحدت ملی به صراحت آمده که این کمیسیون باید پس از مراسم تحلیف تشکیل شود. در حالی که تا کنون هیچ صدایی در دادخواهی از آن بلند نشده است. حکومتی که پس از گذشت شش‌ماه تا به حال با سیستم سرپرستی اداره می‌شود و تا به حال بر سر وظایف و صلاحیت‌های ریاست اجرایی آن اختلافات عمیق است؛ حکومتی که پس از شش‌ماه تا کنون بر سر ایجاد کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی توافق نکرده و حکومتی که تا هنوز معاش شش‌ماهه کارمندان ادارات جدیدالتأسیس خود را نپرداخته، شکی نیست که در صورت عزم و اراده راسخ هم نمی‌تواند در دو سال نخست کارش لویه‌جرگه تعدیل قانون اساسی و ایجاد نظام پارلمانی را برگزار کند. به این ترتیب به نظر می‌رسد که مسأله تعدیل قانون اساسی از هزاران وعده‌یی است که هرگز جامه عمل به تن نخواهد کرد. با وجود این باید گفت که در صورت عدم موجودیت یک نظام پارلمانی، عنوان «حکومت وحدت ملی» یک عنوان جعلی و پُر از تقلب خواهد بود که جز رسوایی و سیاه‌روی برای سران این حکومت و به استهزاء گرفتن سیستم کارآمد و پاسخگوی «دولت وحدت ملی» پیامدی نخواهد داشت.

از تبلیغاتی که در شماری از مساجد صورت می‌گیرد بارها انتقاد شده است. به این دلیل که ملا امام‌ها به جای این که مردم را به صلح دعوت کنند، آن‌ها را به سمت مخالف جبهه دولت سمت و سو می‌دهند. اما اعضای شورای عالی صلح در کنفرانس روز دوشنبه گفتند که علما آماده‌اند برای تامین صلح و ثبات تلاش کنند. قاضی محمد امین وقاد، عضو شورای عالی صلح افغانستان در این کنفرانس گفت: «ما برای تان اطمینان می‌دهیم که علما کار خود را می‌کنند. علمای محترم و آزادی که از جیب دولت چیزی نمی‌خورند.»

بر اساس اظهارات مقام‌ها در وزارت حج و اوقاف، هزاران مسجد از کنترل دولت افغانستان بیرون است و ملاها در بیشتر این مساجد تبلیغاتی انجام می‌دهند که منجر به ناامنی و ادامه جنگ می‌شود.

قابل ذکر است که ارسال هر پیام جهت پرداخت صرفیه برق در شرکت‌های مخابراتی، ۱۵ افغانی هزینه دارد.

پرداخت صرفیه برق، به یکی از وقت‌گیرترین کارها برای شهروندان کشور به ویژه کابلی‌ها تبدیل شده است؛ دیده شود که این ابتکار که تقریباً در بیشتر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ می‌تواند در افغانستان با همان استندرد لازم پیاده شده و مشکل شهروندان را حل کند.

افتاده است. این گروه کشته شدن ۵ عضو خود و زخمی شدند ۷ تن دیگر را تایید کرده است. ولسوالی جرم که این درگیری در آن روی داده، از مناطق استراتژیک ولایت بدخشان است. حمله طالبان انتقادهای زیادی را نسبت به آنچه که "سهل‌انگاری" مراجع دولتی عنوان شده، در پی داشته است. سخنگوی وزارت دفاع گفته که در حال حاضر یک کمیسیون در بدخشان حضور دارد تا احتمال سهل‌انگاری در این موضوع را بررسی کند.

به پاکستان، چین و عربستان امیدوار شدند که جدیت آقای غنی می‌تواند منجر به تامین صلح شود. ولی تا حالا چنین نشده است. برخی از نماینده‌گان پارلمان به این باورند که گروهان گیری‌ها، جنگ‌ها و خشونت‌های تازه سبب شده تا حکومت افغانستان به جای تلاش صلح، برای بهبود وضعیت امنیتی فکر کند. فاطمه عزیز نماینده پارلمان می‌گوید: «رییس‌جمهور جدید تلاش‌هایی را به خاطر آوردن صلح روی دست گرفت و مردم هم منتظر صلح اند، ولی متأسفانه باز هم جنگ را شدت می‌بخشند.»

نقش علما بخشی از ناامنی و جنگ به باور آگاهان، برداشت‌های تدریوانه و افراطی‌گری است. در سیزده سال گذشته

پی او اس) شرکت مریخ تکنالوژی پرداخت نمایند.

آقای صمدی از شفافیت در این سیستم اطمینان داده و گفت: شرکت برشنا با شرکت‌های مخابراتی تعهد سپرده و صرفیه برق شهروندان به صورت تضمینی به شرکت برشنا می‌رسد. وی گفت که شرکت برشنا روی دریافت پول به شرکت‌های مخابراتی کنترل دارد و سیستم اخذ صرفیه برق از طریق بل برق نیز ادامه دارد.

که در این درگیری ۲۰ نفر از شورشیان هم کشته و ۱۷ تن دیگر آنها زخمی شده‌اند. آقای وزیری افزود که شش نفر از کشته شده‌گان شورشیان "خارجی" بوده‌اند.

سخنگوی وزارت دفاع گفت که نیروهای امنیتی طالبان را به عقب رانده و در حال حاضر نیروهای امنیتی در محلی که طالبان حمله کرده بودند، مستقر هستند. در مقابل، گروه طالبان گفته است که در این نبرد ۴۹ نفر از نیروهای امنیتی کشته و ۴۲ نفر دیگر زخمی شدند و به مقدار زیادی از جنگ افزارهای آنها به دست طالبان

# ورزش



## اینستا:

### به فان خال مدیونم



هافبک ۳۰ ساله بارسلونا هنوز خودش را به سرمربی کنونی منچستر یونایتد مدیون می‌داند. آندرس اینیستا در دوران مربیگری لویس فان خال هلندی در بارسلونا به تیم نخست این باشگاه راه پیدا کرد. او در اکتبر ۲۰۰۲ برای نخستین بار به تیم

سرمربی آرسنال اعتراف کرد که چلسی قهرمان این فصل رقابت‌های لیگ جزیره است اما تیمش می‌خواهد به روند پیروزی‌های پیاپی خود ادامه دهد. پیروزی چلسی در دقایق پایانی برابر کوئینز پارک رنجرز باعث شده تا آرسن ونگر از قهرمانی در فصل جاری لیگ جزیره ناامید شود و چلسی را از همین حالا قهرمان بداند.

شاگردان مورینیو با این پیروزی ۷۳ امتیاز شدند و با هفت امتیاز اختلاف نسبت به آرسنال و یک بازی کمتر نسبت به این تیم در صدر جدول رده بندی قرار دارند. این در حالی است که تا پایان لیگ تنها شش هفته باقیمانده است. آرسن ونگر سرمربی آرسنال که تیمش نزدیک‌ترین تعقیب کننده چلسی است اعتراف کرد که چلسی از همین حالا قهرمان است.

او گفت: تیم صدرنشین در شرایط بسیار خوبی قرار دارد و باید از همین حالا این تیم را قهرمان دانست. اختلاف چلسی با دیگر تیم‌ها زیاد است. دیگر حالا همه چیز دست این تیم است و کاری از دست ما برنمی‌آید. او ادامه داد: درست است که چلسی در شرایط خوبی قرار دارد اما ما دست از تلاش برنمی‌داریم و می‌خواهیم به روند خوب خود ادامه دهیم. آرسنال در ۱۸ بازی اخیر خود ۱۶ بار به پیروزی رسیده است که این نتیجه بسیار خوبی است و نشان می‌دهد که تیم ما در چه شرایط خوبی قرار دارد. باید ببینیم که در آینده چه اتفاقی می‌افتد. نهایت تلاش خود را برای پیروز شدن انجام می‌دهیم. نباید فراموش کنیم که منچستر یونایتد و منچستر سیتی در تعقیب ما هستند و نباید اجازه دهیم به ما برسند.

بزرگسالان راه یافت و سه ماه بعد هم مقابل رکرتیوو اونلوا برای نخستین بار در نوکمپ به میدان رفت.

سال‌ها گذشته و اینستا به بازیکن بزرگی بدل شده است. او به همراه تیم ملی فوتبال اسپانیا به عنوان قهرمانی در جام جهانی و اروپا هم رسیده است اما همواره خودش را مدیون فان خال می‌داند که او را به تیم بزرگسالان آبی - اناری‌ها آورده است.

اینستا در این زمینه گفت: وقتی برای نخستین بار در ترکیب بارسلونا به میدان رفتم، مهم‌ترین روز زندگی‌ام رقم خورد زیرا رویایی بود که به حقیقت بدل شد. خاطره‌های بسیار خوبی از آن روز دارم. کمی عصبی بودم اما از این که فان خال مرا برای حضور در ترکیب تیم اصلی بارسلونا مناسب دیده بود، ممنون بودم. با توجه به این که اینستا در طول دوران فوتبالش جام‌های زیادی کسب کرده است اما این بازیکن ۳۰ ساله قهرمانی در لیگ فوتبال اسپانیا در سال ۲۰۰۵ و لیگ قهرمانان اروپا در سال ۲۰۰۹ را خاطره‌انگیزترین جام‌هایی می‌خواند که آنها را به دست آورده است.

اینستا گل‌های زیادی هم زده اما گلی که در فینال جام جهانی ۲۰۱۰ به ثمر رساند و گلی که در ثانیه‌های پایانی دیدار با چلسی در لیگ قهرمانان اروپا وارد دروازه این تیم کرد را مهم‌ترین گل‌های زندگی فوتبالی‌اش خواند. گالاکتیکو در این باره گفت: کسب نخستین جام قهرمانی در لیگا برای من خاطره انگیز است چون اولین بار بود که آن را بالای سر می‌بردم. در آن زمان فکر می‌کردم زمان ایستاده است. جوان بودم و آغاز کارم بود. فینالی که در رم برگزار شد، به عقیده من بهترین اتفاق بود. نه تنها قهرمانی در اروپا در آن سال برایم عالی بود که برای طی کردن آن مسیر دشوار برای رسیدن به فینال بود که سالی فوق‌العاده برایم رقم زد. گلی که در دقیقه‌های پایانی دیدار با چلسی وارد دروازه این تیم کردم، همواره یکی از بهترین اتفاق‌هایی است که در طول دوران فوتبالم به خاطر می‌آورم.

## پیگرینی:

### نمی‌دانم مشکل منچستر سیتی چیست



سرمربی شیلیایی آبی‌پوشان شهر منچستر اعتراف کرد شکست مردانش در دربی ضربه سنگینی به شانس راهیابی آنها به لیگ قهرمانان فصل بعد زده است. مانوئل پیگرینی یکشنبه در اولدترافورد شاهد به زانو درآمدن شاگردانش برابر همشهری سرخ‌پوش و شکست ۴ بر ۲ آنها برابر منچستر یونایتد بود تا نه تنها در پس گرفتن رده سوم از شیاطین سرخ ناکام باشد بلکه اکنون بیم از دست دادن سهمیه لیگ قهرمانان فصل آینده را نیز داشته باشد. من سیتی اکنون با ۴ امتیاز اختلاف نسبت به منچستر یونایتد ۶۵ امتیازی در رده چهارم جدول قرار دارد، ساوتهمپتون ۵۶ امتیازی را در فاصله ۵ امتیازی خود می‌بیند و با تداوم روند فعلی نتیجه‌گیری‌اش بعید نیست که تا پایان فصل سهمیه لیگ قهرمانان اروپا را هم از دست بدهد.

من سیتی در شرایطی در خانه شیاطین سرخ تن به شکست داد که با گلزنی سرخیو آگرو از میزبان پیش افتاده بود. آگرو در دقایق پایانی بازی دومین گل خود را هم در این دیدار به ثمر رساند تا شمار گل‌هایش برای آبی‌پوشان شهر منچستر را به ۱۰۰ برساند اما این گل برای فرار شاگردان پیگرینی از اولین شکست‌شان در دربی شهر منچستر پس از کسب پیروزی در ۵ دربی اخیر کافی نبود.

پیگرینی در خصوص این بازی به خبرنگاران اظهار داشت: قرار گرفتن در رده چهارم واقعا سخت است. ما در لیگ برتر تیم‌های سرسختی داریم. اکنون ۴ امتیاز کمتر از منچستر یونایتد و ۵ امتیاز کمتر از آرسنال داریم. باید تا پایان فصل بجنگیم. برای من، بازیکنان و باشگاه بسیار مهم است که فصل را در جایگاهی به پایان برسانیم که ما را به لیگ قهرمانان فصل آینده برساند. هنوز ۶ هفته دیگر فرصت داریم که این هدف را محقق کنیم. ما تمام طول فصل در رده دوم بودیم و هنوز ۶ هفته دیگر باقی است.

شکست در اولدترافورد آمار پیگرینی را فاجعه‌آمیزتر از قبل و جایگاهش را روی نیمکت من سیتی متزلزل‌تر از قبل کرد. این پنجمین شکست من سیتی در سال ۲۰۱۵ بود، یعنی یکی بیشتر از کل شکست‌هایی که تیم در سال ۲۰۱۴ متحمل شد. این آمار بدترین دوران منچستر سیتی در ۹ سال اخیر محسوب می‌شود چرا که در ۱۵ بازی خود تنها ۴ پیروزی کسب کرده است.

سرمربی شیلیایی من سیتی در چنین شرایطی همچنان تأکید دارد که جایگاهش در این تیم تهدید نشده و اینکه منچستر یونایتد شایسته فتح دربی بوده است. او افزود: فکر می‌کنم که تیم برتر میدان بازی را برد. ما بازی را خیلی خوب شروع کردیم و در ۲۰ دقیقه ابتدایی می‌توانستیم آن را کنترل کنیم. پس از گل دوم منچستر یونایتد راه‌مان را گم کردیم و من یونایتد گل‌های بیشتری زد. نمی‌توانم بفهمم چرا تیمی که پتانسیل ارائه یک بازی خوب را دارد فقط ۲۰ دقیقه این کار را انجام می‌دهد. ما بر بازی سوار بودیم، موقعیت‌های گلزنی داشتیم و صاحب توپ بودیم. زمانی که بازی یک بر یک مساوی شد، من یونایتد به تدریج شروع به پیشرفت کرد و گل سومش اعتماد به نفس این تیم را افزایش داد.

پیگرینی در پاسخ به این سؤال که مشکل من سیتی که باعث افت اخیر این تیم شده چیست، عنوان کرد: فقط یک مشکل نیست. تیمی که باخت همان تیمی بود که ۲۰ دقیقه اول را خوب بازی کرد. شاید در حال حاضر مشکل افت سطح بازی مان باشد اما واقعا نمی‌دانم مشکل چیست؟

## اعتراف ونگر:

### چلسی از همین حالا قهرمان است



ونگر در پایان سخنان خود گفت: به نیمه نهایی جام حذفی راه یافته‌ایم و می‌خواهیم جام قهرمانی را در این رقابت‌ها بالای سر ببریم.



دومین نمایشگاه کتاب و مناسبت

آغاز سال تحصیلی و بهار ۱۳۹۴

کتابخانه

۱۰٪

تخفیف ویژه



**ارزلام کتابخانه‌ها:**

- حقوق و علوم سیاسی
- اقتصاد و مدیریت
- جامعه‌شناسی و تاریخ
- ادبیات و زبان‌های خارجی
- فلسفه و فلسفه غرب
- فلسفه‌های غربی و معاصر
- کتاب‌های اطلاعاتی و تکنولوژی
- وسایل و کتاب‌های هنری
- نوشت‌افزار

**کتاب‌های کمک‌آموزشی کودکان و نوجوانان**

**بازی‌های فکری و سرگرمی**

**مطبوعات آموزشی و کتابی**

**تیم اعزامی چاپ و تصاویری**

**همراه با**

**بیشترین ویژه کودک و نوجوان**

**افتتاح نمایشگاه روز سه شنبه ۲۳ حمل ۱۰ صبح**

زمان: ۲۳ تا ۲۸ حمل ۱۳۹۴

ساعت بازدید: از ۱۰ صبح تا ۱۸:۰۰

## گونتر گراس؛ جالبترین دایناسور دنیا



این روزها وقتم را با طراحی و نقاشی با آبرنگ می‌گذرانم و از این فعالیت خلاقانه چند متن اولیه تولید شده است.

گراس را بیش تر به عنوان یک چپ‌گرای افراطی می‌شناختند که آرای سیاسی‌اش بین مردم دودستگی ایجاد می‌کرد. او که از سال ۱۹۶۱ خود را وقف حزب سوسیال دموکرات کرد یکی از افرادی بود که «ویلی برنت» را در کمپین انتخاباتی سال ۱۹۶۹ حمایت کرد. با این‌که گراس پس از چند سال فعالیت‌های سیاسی‌اش را کاهش داد، همیشه نگاهی انتقادآمیز و موشکافانه نسبت به مسائل سیاسی کشورش و حتی جهان داشت. شهرت بین‌المللی او نیز به پررنگ‌تر شدن اظهارات سیاسی‌اش در رسانه‌ها کمک می‌کرد.

یکی از اقدام‌های انقلابی اخیر گراس انتشار شعری به نام «آنچه باید گفت» در اپریل ۲۰۱۲ بود. او در این اثر خط‌مشی و سیاست‌های رژیم غاصب اسرائیل و تحریم هسته‌یی علیه ایران را به باد انتقاد گرفت. گراس در این شعر اسرائیل را تهدیدی علیه صلح جهانی خواند. چاپ این سروده در سه روزنامه «نیویورک تایمز»، «ریپابلیکا» و «دویچه سائونگ» خشم مقام‌های اسرائیلی را برانگیخت؛ تا جایی‌که ورود این شاعر آلمانی را به سرزمین‌های اشغالی ممنوع اعلام کردند.

این شعر باعث شد برخی گراس را به داشتن افکار ضدیهود متهم کنند. با همه این احوال منتقدان و بزرگان ادبیات جهان او را یکی از توانمندترین راویان قدرت در ادبیات آلمان می‌دانستند. «موریتس رینکه» نویسنده همیشه از او به عنوان «جالب‌ترین و تطبیق‌پذیرترین دایناسور» یاد می‌کرد.

آخرین سخنان جنجالی گونتر گراس حدود دو ماه پیش او را به سوژه رسانه‌ها بدل کرد. روزنامه آلمانی «نوست‌فالیش» به نقل از گراس، بروز جنگ جهانی دیگری را محتمل دانست. این شاعر ۸۷ ساله ظهور شکل جدیدی از درگیری‌ها را دلیل هراس خود از چنین مسأله‌ای بیان کرد. گراس همچنین در بخش دیگری از سخنانش به استفاده از اینترنت برای بلوکه کردن سیستم اقتصادی جنگ‌افروزی و شرایط غیرقابل درکی که در کشورهایی مثل اوکراین و سوریه همچون جنگ‌های کلاسیک در جریان است، اشاره کرد.

ساعتی پیش ناشر گونتر گراس نویسنده و شاعر سرشناس آلمانی برنده نوبل ادبیات اعلام کرد او روز دوشنبه ۱۳ اپریل در شهر لوبک آلمان از دنیا رفته است.

گراس که بیش از یک سال پیش با دنیای نویسندگی خداحافظی کرد، روز گذشته برای همیشه با زندگی وداع کرد و در پی همین موضوع حوادث مهم زندگی او را مرور می‌کنیم.

گونتر گراس متولد ۱۶ اکتبر ۱۹۲۷ بود و زندگی‌ای مملو از فراز و فرود را تجربه کرد. او در خانواده تقریباً سطح پایینی از پدری خواربارفروش در شهر دانسیگ کنونی به دنیا آمد. مشتریان مغازه پدرش آن قدر فقیر بودند که نمی‌توانستند قرض‌های‌شان را بدهند. خانواده کاتولیک گراس در آپارتمانی بسیار کوچک زندگی می‌کردند. زندگی‌نامه‌نویس گراس در کتاب خود دوران کودکی او را به نقل از وی، «فضایی بین روح‌القدس و هیتلر» توصیف کرده است.

گراس ۱۷ ساله بود که جنگ جهانی دوم در گرفت. او به عضویت حزب نازی درآمد اما دهه‌ها طول کشید تا توانست تجربیاتش را در این زمینه فاش کند. صحبت کردن درباره فعالیت او به عنوان یکی از اعضای حزب نازی به لکه‌ننگی در زندگی‌اش تبدیل شد. سال ۲۰۰۶ بود که گونتر گراس مجبور شد اعتراف کند در جریان جنگ جهانی دوم کاملاً هم بی‌گناه نبوده است. گرچه او تنها یک نوجوان بود، به عضویت حزب نازی درآمد بود. «پوست کندن پیاز» کتابی بود که او در آن از تجربه حضور در حزب نازی نوشت. انتشار این خبر باعث شد بسیاری او را انسانی مزور و دورو بدانند. کتاب «پوست کندن پیاز» افشاجری بزرگ گراس بود که او با آن، نگاه سنگین منتقدان و اهل ادبیات و سیاست را به جان خرید.

گراس که به هنر علاقه‌مند بود، در رشته طراحی گرافیک و مجسمه‌سازی تحصیل کرد و عضو یک گروه جاز شد. او سفرهای زیادی در زندگی داشت، اما سرانجام در سال ۱۹۵۶ در پاریس آرام گرفت و به همراه همسر اولش زندگی معمولی‌ای را در این کشور شروع کرد. در همین دوران بود که استعدادش به عنوان یک نویسنده شکوفا شد. گونتر گراس اولین رمانش را با عنوان «طبل حلبی» در سال ۱۹۵۹ به نگارش درآورد و پیش از رسیدن به موفقیت و شهرت بین‌المللی، مورد انتقاد شدید جامعه محافظه‌کار آلمان غربی قرار گرفت. «طبل حلبی» به زبان‌های مختلف برگردانده شد و به سینما راه یافت. دقیقاً چهار دهه پس از آن، جایزه نوبل ادبیات به گراس اهدا شد.

او در طول دوران نویسندگی‌اش در گونه‌های مختلف نمایشنامه، شعر و ادبیات داستانی قلم می‌زد. «موش و گربه»، «سال‌های سگی»، «ماده موش»، «قرن من»، «آخرین رقص» و «از دفترچه خاطرات یک حلزون» از جمله مشهورترین کتاب‌های او هستند. شرایط و رخداد‌های سیاسی و اجتماعی مهم‌ترین دغدغه‌های گراس بودند که انعکاس آن‌ها در آثارش هوایداست.

او که بومی دانسیگ بود، به طور ویژه‌ای به رابطه مسالمت‌آمیز بین دو کشور آلمان و لهستان می‌پرداخت.

گرچه بسیاری از منتقدان، کتاب‌های گراس را سنگین و سیاسی می‌دانستند، آثار او در حلقه‌های بین‌المللی ادبی بازار داغی داشت. با همه این احوال هیچ یک از آثار او نتوانست موفقیتی را که «طبل حلبی» برایش به ارمغان آورد، تجربه کند.

به گزارش دویچه وله، گونتر گراس هنرمندی چندوجهی بود که علاوه بر نویسندگی و سرودن شعر، در مجسمه‌سازی و طراحی نیز دستی بر آتش داشت. او گه‌گاه طراحی جلد کتاب‌هایش را خودش انجام می‌داد.

این شاعر و نویسنده در دی‌ماه سال گذشته در مصاحبه با روزنامه محلی «پاسائور نوئه پرس» گفت: من اکنون ۸۶ سال‌ه‌ام و فکر نمی‌کنم بتوانم از پس یک رمان دیگر برآیم. وضعیت سلامتی‌ام به من اجازه نمی‌دهد مشغول پروژه‌هایی شوم که پنج یا شش سال طول می‌کشند و این زمانی است که باید برای پژوهش درباره یک رمان صرف کرد.

## نخست وزیر ترکیه از اظهارات "یک جانبه" و "نامناسب" پاپ انتقاد کرد

پس از آنکه رهبر کاتولیک‌های جهان از واژه "نسل کشی" برای توصیف قتل عام ارمنی به دست نیروهای عثمانی بعد از جنگ جهانی اول استفاده کرد، نخست وزیر ترکیه از وی به خاطر اظهارات "نامناسب" و "یک جانبه‌اش" به شدت انتقاد کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، همزمان با بالا گرفتن اختلافات دیپلماتیک میان ترکیه و واتیکان، احمد داوود اوغلو، نخست وزیر ترکیه گفت: ابراز حزن و تأسف به شیوه‌ای یک جانبه برای پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان و واتیکان نامناسب است. وی افزود: ما از رهبران مذهبی انتظار داریم تا خواستار صلح شوند. در دسترس داشتن آرشپوها برای افرادی که قلب‌هایشان مهر و موم شده هیچ نتیجه‌ای نخواهد داشت. متأسفم که اظهارات پاپ فرانسیس با بیانه‌هایی که در دفاع از صلح و سازش در جریان سفر قبلی‌اش به ترکیه مطرح بوده، متفاوت است.

داوود اوغلو گفت: امیدواریم پاپ فرانسیس پای اظهاراتی که در سفرش به ترکیه در نوامبر سال گذشته میلادی مطرح کرد، بایستد و در رویکرد و رفتار کنونی‌اش تجدیدنظر کند. ترکیه همچنین در اعتراض به اظهارات پاپ، سفیر خود در واتیکان را فرا خوانده است.

## انتقاد اسلام آباد از اظهارات امارات درباره موضع پاکستان در یمن

وزیر داخله پاکستان از اظهارات یک وزیر دولت امارات در مورد موضع‌گیری اسلام آباد در قبال تحولات یمن انتقاد کرد. به گزارش خبرگزاری شینخوا، چودری نثار علی خان، وزیر داخله پاکستان اظهارات انور قرقاش، وزیر مشاور در امور خارجه امارات را برخلاف قواعد دیپلماتیک دانست.

پارلمان پاکستان پیش از این، از دولت نواز شریف، نخست‌وزیر این کشور خواسته بود که نقشی بی‌طرف در مناقشه یمن داشته باشد. وزیر مشاور در امور خارجه امارات در واکنش به این تصمیم اسلام‌آباد اعلام کرد که پاکستان باید موضعی مشخص و به نفع روابط راهبردی خود با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اتخاذ کند زیرا خلاف این مسأله یعنی تصمیم‌های متناقض و مبهم در مورد موضوع جدی یمن بهای سنگینی برای این کشور به دنبال خواهد داشت.

وزیر داخله پاکستان در واکنش به این اظهارات وزیر مشاور در امور خارجه امارات گفت که این دیپلمات عرب از رویه تهدیدمحوری استفاده کرده است. نثار علی خان با انتشار بیانیه‌ای گفت: پاکستان روابط دوستانه‌ای با عربستان و امارات دارد اما تهدیدهای مطرح شده از سوی وزیر اماراتی مایه تأسف و نگرانی است.

وزیر داخله پاکستان افزود: اظهارات وزیر مشاور در امور خارجه امارات در خصوص موضع ما درباره یمن به مثابه توهین به عزت نفس مردم پاکستان و غیر قابل قبول است.

پارلمان پاکستان اخیراً با توافق آرا به مصوبه‌یی رای داد که دولت این کشور را ملزم می‌کند نسبت به درگیری‌ها در یمن بی‌طرف بماند. در این مصوبه اعلام شده است که پارلمان پاکستان باید بی‌طرفانه درخصوص یمن عمل کند تا بتواند نقش دیپلماتیک موثرتری را برای پایان بحران ایفا کند. پارلمان پاکستان در عین دست رد زدن به سینه ائتلاف عربستانی علیه یمن، بر حمایت کامل خود از ریاض نیز تأکید کرد.

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از ۱ الی ۳۰ روز	از ۳۱ الی ۸۰ روز ۲۰٪ تخفیف	برای ۱۸۰ روز ۴۰٪ تخفیف
۱	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	60 \$	48 \$	36 \$
۲	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۳	بندر در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	70 \$	56 \$	42 \$
۴	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	350 \$	280 \$	210 \$
۵	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	100 \$	80 \$	60 \$
۶	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۷	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز 400 \$	برای 14 روز 600 \$	برای 30 روز 1200 \$